



Identifying and Review Public Problems to Improve the Development Decisions of Local Managers (Case Study: Deprived Areas of Isfahan Province)

Seyed Kamal Vaezi¹ | Ali Vatandoost²

1. Department of Leadership and Human Capital, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: vaezi_ka@ut.ac.ir
2. Corresponding author, Department of Leadership and Human Capital, Faculty of management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: a.vatandoost@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 29 June 2023

Received in revised form: 17 September 2023

Accepted: 08 November 2023

Published: 13 January 2024

Keywords:

Decision Making
Local Development
Prioritization
Public Policy
Public Problem.

ABSTRACT

The comprehension of public issues is critical for the implementation of development processes. Constantly confronted with these concepts, national, regional, and local managers must be able to address critical issues impacting the affairs of the people, such as civil engagement, social impacts, and regional development. This research's primary objective is to assist local public sector administrators in prioritizing public issues and making decisions regarding local development. Based on the aforementioned literature, the present study seeks to address the following inquiry: "What is the most effective framework for discerning and ranking public issues in order to enhance decision-making in the realm of development concepts?"

The data collection phase was concluded by conducting interviews with authorities in the field of local development and employing a qualitative research design. The data that was gathered was subjected to theme analysis.

The findings indicate: After classifying 180 fundamental themes into ten organizing themes and three universal themes, a three-dimensional matrix was produced. The purpose of this matrix is to investigate and rank the general issues as executive tools. Social culture, education and training, health, the economy and means of subsistence, moral systems and tendencies, thought and vision systems, behavioral systems, individuals, and ultimately the software dimension of resources comprise the themes.

As a result of investigating the levels of local governance and gaining a deeper comprehension of rural development constraints, decision makers can reach more accurate conclusions. By utilizing a decentralized decision matrix system, decision makers at the local level are capable of comprehending and endeavoring to identify public issues, priorities, and ultimately constrained resources. A decentralized decision making process has been proposed in order to obtain a more effective method for identifying problems, comprehending their nature, analyzing the structure of society, investigating critical changes, and developing plans and actions.

Cite this article: Vaezi, S.,K, & Vatandoost, A. (2023). Identifying and Review Public Problems to Improve the Development Decisions of Local Managers: (Case Study: Deprived Areas of Isfahan Province). *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 15(2), 389-408. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361546.668800>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361546.668800>

شناسایی و انتخاب مسائل عمومی برای بهبود تصمیمات توسعه‌ای مدیران محلی (مورد مطالعه: مناطق محروم استان اصفهان)

سید کمال واعظی^۱ | علی وطن‌دوست^۲

۱. گروه رهبری و سرمایه انسانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: vaezi_ka@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسؤل، گروه رهبری و سرمایه انسانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: a.vatandoost@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مسائل عمومی از مفاهیم کلیدی در فرایندهای توسعه است. مدیران بخش دولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی دائماً با این مفاهیم سروکار دارند و باید بتوانند به مسائل کلیدی و اثرگذار بر زندگی مردم بپردازند. منظور از مسائل کلیدی و اثرگذار، تصمیماتی از جنس بهبود وضعیت یا به عبارتی توسعه محلی است. توسعه روستایی، مشارکت‌های مدنی، نحوه نگرش به مشکلات و مدیریت آسیب‌های اجتماعی در روستاها از جمله این مسائل عمومی هستند. هدف این پژوهش، کمک به مدیران بخش دولتی و غیردولتی در سطوح محلی استان اصفهان برای انتخاب مسائل عمومی و تصمیم‌گیری درباره آن‌ها به‌منظور توسعه محلی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۸	این پژوهش در پارادایم تفسیری و در دسته پژوهش‌های کیفی جای می‌گیرد. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، از روش مطالعه اسناد و مصاحبه با خبرگان عرصه توسعه محلی استفاده شد و به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش تحلیل مضمون به‌کار گرفته شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۶/۲۶	۱۸۰ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر، حاصل تحلیل اطلاعات بودند که درنهایت چارچوب و الگوی پیشنهادی پژوهش را در قالب یک ماتریس سه‌بعدی تشکیل دادند. این ماتریس که دارای سه بعد ماهیت، ساختار و آثار است، به مدیران و کنشگران محلی به‌منظور شناسایی مسائل عمومی و تحلیل آن‌ها کمک می‌کند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۷	لازم است ضمن تبیین سطوح حکمرانی محلی، ریشه‌یابی مسائل روستایی برای رسیدن به گلوگاه‌های تصمیم‌گیری در حوزه توسعه روستا صورت پذیرد. این فرایند می‌تواند با محوریت کارگروه‌های توسعه روستایی و مبتنی بر یک نظام ماتریسی تصمیم‌گیری غیرمتمرکز انجام گیرد. براین‌اساس مدیران محلی قادر می‌شوند با جامعیت بیشتری مسائل جامعه محلی را شناسایی کنند، ماهیت مسائل را درک کنند، بدانند که مسئله مدنظر در کدام بخش از ساختار جامعه وجود دارد و در کجا باید تغییرات لازم را اعمال کنند و درنهایت طرح‌ها و اقدامات ایشان برای حل مسئله، در کدام بخش از نظامات جامعه محلی اثرگذار خواهد بود.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳	

استناد: واعظی، سید کمال و وطن‌دوست، علی (۱۴۰۲). شناسایی و انتخاب مسائل عمومی به‌منظور بهبود تصمیمات توسعه‌ای مدیران محلی (مطالعه موردی: مناطق محروم استان اصفهان). توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۵(۲): ۳۸۹-۴۰۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361546.668800>



۱. مقدمه و بیان مسئله

از دیرباز تاکنون، جوامع با مسائل متعددی روبه‌رو بوده‌اند که در این میان، مدیریت در عرصه حکمرانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این مسائل، به‌دلیل چندبعدی بودن و پیچیدگی بسیار می‌توانند سایر ابعاد را نیز تحت تأثیر قرار دهند. از طرفی نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد علت عمده مشکلات مدیریت دولتی در ایران ناشی از ساختار تصمیم‌گیری و نظام اداری-اجرایی ناکارآمد است (معدنی و قربانی‌زاده، ۱۴۰۱). این در حالی است که با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در عرصه‌های گوناگون علم و فناوری در جهان، کماکان مسائل عمومی از پیچیده‌ترین مسائل محسوب می‌شوند (صفرپور و همکاران، ۱۴۰۰). در این بین اغلب خط‌مشی‌ها که به‌عنوان پاسخ ارائه می‌شوند، شکست می‌خورند؛ زیرا با وضعیت کنونی تناسب ندارند (ون و بیون، ۲۰۱۳).

نظام حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی اعم از سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مقررات‌گذاری و فعالیت‌های اجرایی، نظارتی و نیز ساختار و الزامات آن در پی تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی به‌عنوان راهکارهای حل مسائل عمومی کشور هستند؛ مسائلی که ابعاد متعدد دارند، اما اغلب بسیاری از ابعاد آن‌ها مورد کم‌توجهی واقع می‌شوند (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). سیاستمداران ممکن است تصمیماتی بگیرند که ناشی از اولویت‌بندی مسائل عمومی براساس معیارهای غلطی است که گاه منافع بلندمدت را فدای منافع کوتاه‌مدت می‌کند (سمیعی، ۱۳۹۸).

ارائه چارچوبی تحلیلی که براساس آن بتوان ماهیت مسائل عمومی و روش اولویت‌بندی آن‌ها را تشخیص داد، همواره مورد سؤال بوده است تا از طریق آن بتوان تصمیم‌گیری مدیران محلی را در حوزه توسعه روستایی بهبود بخشید. شایان ذکر است در این پژوهش، تمرکز بر تصمیمات توسعه‌ای مدیران محلی است؛ یعنی تصمیماتی که به‌صورت مستقیم به بهبود وضعیت، حل مسائل عمومی و خدمت‌رسانی منجر خواهد شد. مسئله عمومی، نقطه شروع بحث از تصمیم‌گیری و خط‌مشی عمومی است (کینگدان، ۱۹۸۴). این در حالی است که از منظر اپلبی^۱، خط‌مشی عمومی محور اداره امور عمومی است (دنهارت، ۲۰۰۸)؛ بنابراین مسئله عمومی را می‌توان یکی از کلیدواژه‌ها و محورهای اصلی در عرصه اداره امور عمومی دانست. مسئله عمومی، به‌طور معمول با مشکل‌های پیچیده اجتماعی سروکار دارد. به‌علاوه تعداد و تنوع مشکل‌های شناسایی شده و سیر مستمر تحول و تغییر آن‌ها تعریف آن‌ها را پرچالش کرده و حل مسئله عمومی را دشوار می‌کند (لورنکو و کاستا، ۲۰۰۷). پیچیدگی مسائل عمومی زمانی دوچندان می‌شود که اقتضائات و نیازهای محلی نیز بر آن افزوده شود و مدیران سطوح محلی بخواهند برای حل این مسائل تصمیم‌گیری کنند. درعین حال می‌توان ادعا کرد که دشوارتر از شناسایی مشکلات عمومی، اولویت‌بندی این مسائل و طراحی سازوکاری برای آن است (پورعزت و هاشمی کاسوایی، ۱۳۹۶). به این ترتیب شایسته است سیستمی مناسب برای اولویت‌بندی مسائل عمومی طراحی شود؛ سیستمی که بتواند به تشخیص مسائل عمومی مهم‌تر کمک کند و زیرساخت‌های ملی و محلی مناسب را برای توسعه تصمیم‌گیری و خط‌مشی بهینه فراهم آورد.

از طرف دیگر، مدیریت محلی در هر کشور با نظام تصمیم‌گیری ملی و مفاهیم تمرکز و عدم تمرکز در نظام حاکم در رابطه‌ای نزدیک است. در ایران با توجه به اثرات سازمان‌های کشوری و استانی بر مدیریت محلی، سه سطح کلان، منطقه‌ای و محلی حائز اهمیت است و به‌طور معمول، اغلب تصمیمات کلان کشوری به‌صورت بالا به پایین اخذ و این تصمیمات و خط‌مشی‌ها تا سطح روستاها اجرا می‌شود. همین امر یکی از دلایل نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور است؛ زیرا شناخت و تجزیه و تحلیل وضع مناطق در زمینه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نخستین گام در فرایند برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است. با این کار تنگناها و

محدودیت‌های مناطق مشخص می‌شود و می‌توان برای رفع آن‌ها اقدام کرد (رضوانی، ۱۳۸۱). منظور از سطوح حکمرانی و اقدامات دولت، تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها در سطوح جغرافیایی کشور است. در واقع دولت‌ها باید بتوانند ساختار حکمرانی را از سطح حکومت مرکزی تا سطح روستاها طراحی کنند (پورعزت، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین منابع شناسایی مسائل عمومی را شوراهای محلی و منطقه‌ای دانسته‌اند؛ زیرا شوراهای محلی، در سطح خرد درگیر مسائل اداری و اجتماعی هستند و اطلاعات دقیقی از ماهیت مسائل مردم دارند؛ بنابراین گاهی این شوراهای محلی (شهر و روستا) در شأن نمایندگی مردم، اعتبار بیشتری از شوراهای ملی و مرکزی دارند و می‌توانند درباره مشکلات و مسائل مردم تصمیم بگیرند (پورعزت و هاشمی کاسوایی، ۱۳۹۶). علاوه بر شوراها، سایر دستگاه‌های دولتی اعم از فرمانداری‌ها و سایر ادارات بخشی نیز در نقش مدیریت محلی به‌نوعی با مسائل عمومی سروکار دارند. از این‌رو نیاز است تا در پژوهش‌های نظری، تصمیم‌گیری عمومی و خط‌مشی‌گذاری به سطوح محلی توجه بیشتری شود؛ زیرا روستاها نقش مهمی در توسعه ملی و محلی براساس آمایش سرزمین، در پیشبرد راهبردهای کلی کشور و همچنین در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی دارند. ضمن اینکه ما در کشور با مسائلی اجتماعی در روستاها مواجه هستیم که خاص کشور ما است و هیچ نظریه خارجی نمی‌تواند به آن‌ها بپردازد و در حال حاضر نیز خلأ نظری در آن‌ها مشاهده می‌شود (طالب، ۱۳۸۳).

شایان ذکر است در این پژوهش، تمرکز بر تصمیمات توسعه‌ای مدیران محلی است؛ یعنی تصمیماتی که به‌صورت مستقیم به بهبود وضعیت، حل مسائل عمومی و خدمت‌رسانی منجر خواهد شد. از این‌رو اگرچه محوریت اصلی مقاله حوزه توسعه محلی است، در فرایند مصاحبه‌ها و تدوین ماتریس پیشنهادی، مقوله توسعه جوامع به‌ویژه نظام‌های مرجع اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به مطالب گفته‌شده، سؤال پژوهش به‌صورت زیر مطرح شده است: «چارچوب شناسایی و ساختاردهی مسائل عمومی به‌منظور بهبود تصمیمات توسعه‌ای مدیران محلی چگونه است؟»

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. مسئله عمومی و مفاهیم مرتبط

فهم مسئله عمومی و تشخیص آن در چرخه تصمیم‌گیری و خط‌مشی عمومی ضرورت دارد؛ زیرا محور این چرخه، تعریف مسئله عمومی است. برای شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی مهم و قابل توجه، لازم است «چستی مسئله عمومی» مدنظر قرار گیرد (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۸). بهره‌گیری از الگویی جامع و اقتضایی برای شناسایی مسائل عمومی، این امکان را برای کشور فراهم می‌کند تا با آگاهی از کلیه ابزارهای مربوط به کنترل موانع و مسائل، به تعیین و اجرای کامل اولویت‌ها و راهبردها پرداخته شود. مدل‌های گوناگون برای تعریف و شناسایی مسئله عمومی، روش‌های متفاوتی را مدنظر قرار می‌دهند (سلیمانی خوئینی، دانش‌فرد و نجف‌بیگی، ۱۳۹۸).

پورعزت و هاشمی (۱۳۹۶) تعاریفی از چهار مفهوم مشکل عمومی^۱، مسئله عمومی^۲، امر عمومی^۳، مقوله عمومی^۴ و همچنین تفاوت‌های بین این چهار مفهوم ارائه داده‌اند. مشکل عبارت است از یک شکاف غیرقابل قبول بین شرایط نرمال و سطح مطلوب، با شرایط واقعی حال یا آینده (هوب، ۲۰۰۲). در تعریف مشکلات عمومی می‌توان گفت مشکل عمومی، نیاز یا نارضایتی‌ای است که جنبه عمومی داشته باشد و بر اثر خدشه‌دار شدن منافع عامه به‌وجود آمده باشد (الوانی، ۱۳۸۶). از منظر کرافت و فورلانگ، مسائل

1. public difficulty
2. public problem
3. public affair
4. public issue

اجتماعی بر موقعیت‌هایی دلالت دارند که از نظر بخش وسیعی از مردم، نامطلوب و غیرقابل قبول و نیازمند اقدام حکومت‌اند (کرافت و فورلانگ، ۲۰۰۴). می‌توان گفت مشکل عمومی، دال بر وضعیت یا موقعیتی است که نیازها یا نارضایتی‌هایی بین عامه مردم ایجاد کرده باشد و رهایی از آن، مستلزم مداخله حکومت باشد (دای، ۲۰۰۵).

۲-۲. اولویت‌بندی مسائل در خط‌مشی‌گذاری و شاخص‌های آن

یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها، اولویت‌بندی مسائل عمومی است؛ زیرا تعداد مسائل عمومی یک کشور بسیار زیاد است و هر مسئله عمومی نیز توان قابل توجهی از دولت اعم از نیروی انسانی، زمان، منابع مالی و... را به خود اختصاص می‌دهد؛ بنابراین حکومت باید به‌گونه‌ای عمل کند که خط‌مشی‌هایی را که در دستور کار خود قرار می‌دهد، بیشترین اثرات مادی و معنوی را برای ملت به همراه داشته باشد (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۸). یزدان‌فام و صدرانیا (۱۴۰۰) در مطالعه «شبکه مسائل راهبردی ایران و نقش عوامل ساختاری در شکل‌گیری آن‌ها» با سنجش درهم‌کنشی این مسائل بر یکدیگر، مسئله‌ها را از منظر جایگاه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مشخص کردند و راهی پیش پای تصمیم‌گیران برای اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری قرار دادند.

پورعزت و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی «شاخص‌های اولویت‌بندی عادلانه مسائل عمومی» پنج‌گانه‌ای از ویژگی‌ها و متغیرهای مؤثر بر تعیین اولویت مشکل‌ها و مسائل عمومی ارائه کردند که عبارت‌اند از: الف) گستره؛ ب) شدت؛ ج) فوریت؛ د) تسهیلگری حل سایر مشکلات عمومی؛ ه) تأثیرگذاری بر رعایت ارزش‌های اجتماعی. براساس نتایج این پژوهش، هر پنج شاخص از اولویت‌شایان توجهی برخوردارند و هنگام تعیین اولویت مشکل یا مسئله عمومی، باید به آن‌ها توجه شود (سلیمانی خوئینی و همکاران، ۱۳۹۸).

۲-۳. لزوم تحلیل مسائل عمومی و خط‌مشی‌پژوهی

یکی از اهداف شناسایی مسائل عمومی و خط‌مشی‌گذاری، بالابردن ظرفیت حل مسائل عمومی است (دقتی و همکاران، ۱۳۹۸). امروزه شناسایی و تحلیل مسائل عمومی و ارائه گزینه‌های سیاستی کارآمد به‌عنوان یک حرفه در جهان پذیرفته شده است و حکومت‌ها به‌منظور افزایش کارایی و اثربخشی تصمیمات و اقدامات خود، از ظرفیت افراد و نهادهایی که با این کارویژه فعالیت می‌کنند استفاده می‌کنند. این در حالی است که بسیاری از دولت‌ها طی دهه‌های اخیر، گرایش به صاحب‌نظران داخل دولت را از دست داده‌اند و به محصولات دانشی که توسط ذی‌نفعان بیرونی تولید می‌شود، روی آورده‌اند (پواتز، ۲۰۲۰). از جمله دلایل برون‌سپاری خط‌مشی‌پژوهی به کانون‌های تفکر را می‌توان افزایش دسترسی به اطلاعات، رشد اندازه و حوزه بخش عمومی، جهانی‌شدن و ظهور بازیگران غیردولتی و نیاز به تحلیل به‌موقع دانست (گویال و ساگین، ۲۰۱۹). انحصار خط‌مشی‌پژوهی که به‌طور سنتی توسط دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود، در حال فرسایش است و کانون‌های تفکر غیردولتی در زیست‌بوم خط‌مشی‌گذاری نقش جدی ایفا می‌کنند (دیاموند، ۲۰۲۰). برخلاف مراکز دولتی که معمولاً از ثبات مالی و ارتباطات سازمانی برخوردارند، کانون‌های تفکر غیردولتی با مسائلی چون فشارهای سیاسی، تأمین منابع مالی، امکان برقراری روابط مواجه هستند که بر عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد (جاکوبسن، ۲۰۱۹).

۲-۴. توسعه و سطوح آن

سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۲۳ خود توسعه پایدار را تعامل هم‌زمان و بهبود وضعیت زیست‌کره، انسان محیط و نظام‌های طبیعی تعریف کرده است. در این میان، درک صحیح از مشکل اجتماعی منوط به شناخت دقیق و منحصربه‌فرد هر واقعیت اجتماعی

است (هانگزان، ۲۰۲۳). توسعه، تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود و تحقق آن مستلزم ایجاد هماهنگی بین ابعاد گوناگون آن است (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، توسعه فرایندی است که طی آن، جوامع از شرایط اولیه عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی با عبور از مراحل تکامل کم‌وبیش یکسان و دگرگونی‌های کمی و کیفی به جوامع توسعه‌یافته تبدیل خواهد شد (توکلی‌نیا، ۱۳۹۶).

در حال حاضر، مفاهیم بسیاری در رابطه با مقوله توسعه و چگونگی آن وجود دارد و همچنین دسته‌بندی‌های متنوعی وجود دارد. براساس تجارب قبلی و مطالعات انجام‌شده، چهار مفهوم که در ادبیات توسعه منطقه‌ای پرکاربرد است تعریف شده است. این چهار مفهوم عبارت‌اند از: توسعه منطقه‌ای^۱، توسعه محلی^۲، توسعه شهری^۳ و توسعه روستایی^۴.

مفهوم توسعه منطقه‌ای، ارتباط نزدیکی با توسعه ملی و محلی دارد. در رسیدن به توسعه متوازن و پایدار، به وظایف دولت‌ها در توسعه منطقه‌ای توجه فراوانی شده است. از این‌رو بررسی و تبیین نظام توسعه منطقه‌ای هر کشور بدون توجه به نقش دولت نمی‌تواند شناخت واقع‌بینانه‌ای از مسائل منطقه‌ای ارائه دهد (وئوقی لنگ و همکاران، ۱۳۹۸). به‌نظر می‌رسد اسناد بالادستی کشور، فاقد راهبردی مشخص و روشن پیرامون توسعه منطقه‌ای هستند و گرایش عمده آن‌ها بر توسعه تمرکزگرا است. در اینجا لزوم رویکردهای محلی مبتنی بر تمرکززدایی آشکار می‌شود (کایدنژاد و همکاران، ۱۳۹۹).

از سوی دیگر، توسعه محلی مبتنی بر شناسایی و استفاده از منابع و پتانسیل‌های درون‌زای یک جامعه، محله، شهر، شهرداری یا معادل آن است (مونتایا، ۱۹۹۸؛ البوکر، ۲۰۰۰). در رویکرد توسعه محلی، فرایندهای غیراقتصادی بر توسعه محلی تأثیر می‌گذارد. از جمله این عوامل می‌توان به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، نهادی و جغرافیایی اشاره کرد (دای، ۲۰۰۵). در این میان برنامه‌ریزی شهری فرایندی فنی و سیاسی و مربوط به توسعه زیرساخت‌های شهری است (تیلور، ۱۹۹۸) و ملاحظات کارایی، بهداشتی، محافظت و استفاده از محیط‌زیست و همچنین تأثیرات آن بر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد (میدگلی، ۱۹۹۹). برنامه‌ریزی شهری درواقع نوعی طراحی شهری است (ون و همکاران، ۲۰۱۳) که از آن با عناوینی مانند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی روستایی، توسعه شهری یا ترکیبی در مناطق مختلف در سراسر جهان یاد می‌شود. درنهایت مفهوم توسعه روستایی فرایند بهبود کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی افرادی است که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و اغلبشان نسبتاً ایزوله و کم‌جمعیت هستند (موسلی، ۲۰۰۳). توسعه روستایی یک اصطلاح جامع است. این مفهوم اساساً بر اقداماتی برای توسعه مناطقی خارج از سیستم اقتصادی شهری اصلی متمرکز است و درواقع برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی درنظر گرفته شده است (چیگبو، ۲۰۱۲). توسعه روستایی با هدف یافتن راه‌هایی برای بهبود زندگی روستایی با مشارکت خود مردم روستا برای تأمین نیاز جوامع روستایی تعریف می‌شود (پلیسری، ۲۰۱۲). توسعه روستایی همچنین با تأکید آن بر راهبردهای توسعه اقتصادی تولیدشده در سطح محلی مشخص می‌شود (موسلی، ۲۰۰۳) و به همین دلیل انواع زیادی از رویکردهای توسعه روستایی در سطح جهان مورد استفاده قرار گرفته است (ون و هورنیچ، ۲۰۱۵).

1. regional development
2. local development
3. urban development
4. rural development

۵-۲. مرور پیشینه تجربی پژوهش

بررسی پیشینه تجربی پژوهش نشان می‌دهد به این حوزه از ابعاد مختلف پرداخته شده است. مطالعات نشان داده است با توجه به تغییرات ایجاد شده در روستاهای کشور و همچنین وجود ظرفیت‌های متعدد مانند سرمایه‌های انسانی و اجتماعی اجرای طرح‌های توانمندسازی و مشارکتی توسط نهادهای مدنی در عرصه‌های توسعه روستایی و رهیافت توسعه روستایی نودرون‌زا، قابلیت ایجاد الگوی مناسبی برای اجرای برنامه‌های توسعه روستایی در کشور وجود دارد (مرزبان و حیاتی، ۱۴۰۰).

مطالعه‌های دیگر نشان داد آگاهی از نگرش روستاییان به ریشه و علت مشکلاتشان و همچنین پیامدهای احتمالی این مشکلات در حیات اجتماعی خود بسیار مهم است و ریشه بسیاری از این مشکلات در مواردی مانند فقدان زیرساخت‌های آموزشی، رفاهی و خدماتی، نبود زیرساخت‌های بهداشتی، کمبود نیروی انسانی ماهر درمانی برای ارائه خدمات بهداشتی، خشکسالی و خشک شدن چشمه‌ها، کم‌توجهی مسئولان، دورافتادگی و عدم دسترسی به روستاها و... نهفته است. فقر، فرسایش خاک و پایین آمدن کیفیت زمین‌های کشاورزی، تشدید بی‌سوادی، مهاجرت به شهر، گسترش دزدی، نزاع بین فردی و اختلافات طایفه‌ای، سست شدن بندهای خانوادگی، فشار روانی و استرس، پرخاشگری و افزایش خشونت و... از مهم‌ترین پیامدهای مشکلات موجود است که موجب تشدید آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و روانی روستاها شده است (حیدری و شکبیا، ۱۴۰۰).

در خصوص توسعه محلی، مطالعه دیگری تأکید دارد در ایران این مفهوم تحت عنوان توسعه محله‌محور یا مبتنی بر اجتماع محلی ترجمه شده است. در الگوی توسعه محلی، اجتماع محلی بسیار کلی و عام در نظر گرفته شده است؛ درحالی که در الگوی توسعه مبتنی بر اجتماع محلی، اجتماع محلی بر بافت‌ها و ساختارهای محلی معطوف و متمرکز است که دارای مسائل و مشکلات اجتماعی با توجه به ظرفیت‌های توسعه مبتنی بر اجتماع محلی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد توسعه مبتنی بر اجتماع محلی، مبنی بر بسترها و الزاماتی و معطوف به اهداف خاص و بافت‌های خاصی از شهرها است، نه همه بافت‌های آن (قادری و شرف‌خانی، ۱۳۹۹). پورعزت و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند فوریت، شدت، گستره، تسهیل و تأثیرگذاری بر سایر مؤلفه‌ها و درنهایت ارزش‌های اجتماعی، از شاخص‌های تعیین اولویت مسائل عمومی هستند. آن‌ها در مطالعه دیگری به این نتیجه رسیدند که خطمشی‌گذاران در هنگام شناسایی مسائل عمومی و تدوین خطمشی تحت تأثیر ذهنیت‌ها و چارچوب‌های ذهنی خویش هستند و اینکه امکان شناسایی مسائل اجتماعی بدون استفاده از عقل جمعی که منبع دانش جمعی است غیرممکن است. ضمن اینکه تعدد مسائل عمومی، پیچیدگی مسائل و سازوکارهای جمعی، محدودیت شناختی خطمشی‌گذاران و نیز احساس تعلق به ایده‌ها و گروه‌ها، عوامل اصلی انحراف از شناخت واقعی مسائل اصلی عمومی تعیین شده‌اند (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲). رویکرد اقتضایی در شناسایی مسائل عمومی، مفهومی است که در پژوهش خوینینی و همکاران به آن اشاره شده و اهمیت بازیگران دولتی و غیردولتی مورد تأکید قرار گرفته است (سلیمانی خوینینی و همکاران، ۱۳۹۸). اسدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۸) ذیل متغیر تحلیل تدوین مشکل عمومی تأکید کردند بعد ساخت‌دهی به مسئله وجود دارد و ذیل آن، مفاهیم مسئله‌یابی و مسئله‌شناسی باید لحاظ شود که برخی سنجه‌های آن شامل تبیین مسئله و بررسی ماهیت مسئله است. در خصوص اولویت‌بندی مشکلات عمومی، هاشمی کاسوایی تأکید کرد که به‌منظور اولویت‌بندی شاخص‌های احصاکننده مسائل عمومی در بعد قابلیت، وجود امکانات فنی و پشتیبانی (نیروی انسانی و دانش و فناوری) و امکانات مالی و بودجه و در بعد جذابیت، شاخص‌های فوریت، شدت، گستره، تسهیل‌گری حل سایر مسائل و تأثیر بر ارزش‌های اجتماعی بسیار مهم است (هاشمی کاسوایی، ۱۳۹۲).

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد غالب این تحقیقات به مقوله فرایندشناسی، سنجه‌شناسی و اولویت‌بندی مشکل عمومی و کمتر به بیان ماهیت و چارچوب پرداخته‌اند. از همین رو در این پژوهش مقوله چارچوب‌بندی مطالعه می‌شود.

۳. روش‌شناسی و فرایند پژوهش

در این پژوهش، براساس مدل پیاز ساندرز و همکاران (۲۰۱۵)، مجموعه اقدامات ناظر به روش پژوهش تعیین و تشریح شده‌اند. شکل ۱ عناصر روشی و فرایندی پژوهش را ارائه می‌دهد.



شکل ۱. رویکرد و فرایند پژوهش

محیط تحقیق علاوه بر فضای علمی و دانشگاهی، در فضای عینی و میدانی و در بستر مسائل واقعی جوامع محلی قرار دارد. نمونه‌ای از افراد مورد مطالعه به‌طوری‌که بتواند معرف همه صاحب‌نظران و فعالان حوزه شهری و روستایی باشد. در این پژوهش، با توجه به اینکه قسمتی از جامعه پژوهش کارگزاران دولتی هستند، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. همچنین با توجه به اینکه شناخت و تحلیل مسائل عمومی و در نتیجه خبرگی در این زمینه ملاک است، از روش گلوله‌برفی برای شناسایی استفاده شد.

محقق با توجه به سابقه فعالیت چندساله در حوزه توسعه محلی با این محیط آشنا است و می‌تواند ارتباطات لازم را از منظر مفهومی و اجرایی برقرار کند. از طرفی سابقه فعالیت متمرکز در استان اصفهان سبب شد این پژوهش به صورت مطالعه موردی در استان اصفهان صورت گیرد. همچنین اسناد و گزارش‌های سازمان‌ها و نهادهایی که در حوزه توسعه محلی فعالیت دارند، جزو منابع گردآوری داده محسوب می‌شوند. اسناد توسعه روستایی حدود ۱۲۰ دهستان کشور به‌عنوان منبع اصلی استخراج اطلاعات انتخاب شد. در روش میدانی از ابزار مصاحبه استفاده شد که از طریق مصاحبه با ۲۰ نفر از ذی‌نفعان و کنشگران محلی در استان اصفهان صورت گرفت و اشباع نظری حاصل شد.

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، بررسی چارچوب شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی در سطوح محلی بود. محقق چهار منطقه هدف از چهار نقطه استان اصفهان را به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات انتخاب کرد. براساس مصوبه شماره ۷۶۲۵۴/ت ۳۶۰۹۵ هـ مورخ ۱۳۸۸/۰۴/۱۰ هیئت‌وزیران در خصوص «تعیین مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته در امور حمایتی» هر ساله وزارتخانه‌ها، نهادهای حمایتی و سازمان‌های عمومی غیردولتی تعدادی از شهرستان‌ها، بخش‌ها و روستاهای کشور را تحت پوشش طرح‌ها و اقدامات توسعه‌ای قرار می‌دهند و منابعی را مستقیماً به این مناطق اختصاص می‌دهند. براین‌اساس در استان اصفهان، چهار منطقه دارای بالاترین شاخص محرومیت قرار دارند. پراکندگی و موقعیت این مناطق در استان اصفهان در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲. موقعیت مناطق هدف پژوهش در استان اصفهان و پراکندگی مشارکت‌کنندگان

با توجه به توضیحات فوق، جدول ۱ حاوی مناطق هدف پژوهش برای مصاحبه است.

جدول ۱. مناطق هدف پژوهش برای مصاحبه

ردیف	استان	شهرستان	دهستان
۱	اصفهان	سمیرم	پادنای وسطی
۲	اصفهان	فریدون شهر	پشت کوه
۳	اصفهان	بویین و میاندشت	بیلاق
۴	اصفهان	خور و بیابانک	(کل شهرستان)

مجموع تعداد مشارکت کنندگان در مصاحبه‌ها ۲۰ نفر بود که از مناطق هدف فوق انتخاب شدند (جدول ۲).

جدول ۲. تعداد مشارکت کنندگان مناطق هدف

ردیف	استان	شهرستان	دهستان	تعداد	درصد
۱	اصفهان	سمیرم	پادناي وسطی	۶ نفر	۳۰
۲	اصفهان	فریدون شهر	پشت کوه	۵ نفر	۲۵
۳	اصفهان	بویین و میاندشت	بیلاق	۴ نفر	۲۰
۴	اصفهان	خور و بیابانک	(کل شهرستان)	۵ نفر	۲۵

شغل یا مسئولیت مشارکت کنندگان پژوهش در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. اطلاعات مشارکت کنندگان پژوهش

شماره مشارکت کننده	شغل یا مسئولیت در شهرستان (دهستان)	کد مشارکت کننده در پژوهش
۱	کارشناس تعاونی دهیاری‌های شهرستان	P1
۲	دهیار ۱۲ روستای دهستان	P2
۳	فعال فرهنگی اجتماعی	P3
۴	رئیس سازندگی شهرستان	P4
۵	فعال فرهنگی و کارشناس اشتغال تعاونی شهرستان	P5
۶	کارشناس اطلاعات شهرستان	P6
۷	رئیس سازندگی شهرستان	P7
۸	رئیس شورای حل اختلاف شهرستان	P8
۹	رئیس حراست شهرداری شهرستان	P9
۱۰	فعال اجتماعی شهرستان	P10
۱۱	رئیس سازندگی شهرستان	P11
۱۲	فعال فرهنگی و اجتماعی شهرستان	P12
۱۳	فعال فرهنگی و اجتماعی دهستان	P13
۱۴	بازنشسته نظامی و فعال اجتماعی شهرستان	P14
۱۵	رئیس سازندگی شهرستان	P15
۱۶	رئیس اداره کار، تعاون و رفاه شهرستان	P16
۱۷	رئیس تعاونی دهیاران شهرستان	P17
۱۸	دهیار دهستان	P18
۱۹	دهیار دهستان	P19
۲۰	دهیار دهستان	P20

از روش تحلیل مضمون^۱ یا تحلیل مضمون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. مضمون، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای داده‌ها را نشان می‌دهد (کلارک و براون، ۲۰۰۶). مضمون،

1. thematic analysis

الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (بویاتزیز، ۱۹۹۸). به‌طور کلی مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (کینگ و هاروتز، ۲۰۱۰).

۴. یافته‌های پژوهش

خلاصه‌ای از مجموع مسائل و مضامین پایه که به دو روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مطالعه اسنادی در این پژوهش جمع‌آوری شده و تعداد مسائل یا مضامین منحصربه‌فرد (غیرمشترک) در جدول ۴ ارائه می‌شود. پس از تحلیل مصاحبه و انجام فرایند کدگذاری، به‌منظور تعیین روایی و پایایی درونی یافته‌ها از روش اعتباریابی پاسخ‌دهنده استفاده شد. به این ترتیب که مضامین استخراج‌شده در اختیار برخی از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا صحت آن‌ها را با تجارب خود انطباق دهند. برای تعیین اعتبار و پایایی با استفاده از روش تکرارپذیری، فرایند استخراج بعضی از مقوله‌ها توسط فرد متخصص دیگری تکرار و نتایج تأیید شد.

جدول ۴. تعداد مضامین پایه منحصربه‌فرد استخراج‌شده

ردیف	روش استخراج اطلاعات	تعداد مسائل (مضامین پایه)
۱	روش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	۷۲
۲	روش مطالعه اسنادی	۳۳۱
	مجموع مسائل (مضامین پایه)	۴۰۳
	مسائل یا مضامین پایه منحصربه‌فرد (غیرمشترک)	۱۸۰

۴-۱. استخراج مضامین سازمان‌دهنده

براساس روش تحقیق تحلیل مضمون، در این مرحله باید اطلاعات به‌دست‌آمده تحلیل شود تا مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر از درون آن‌ها استخراج شود؛ بنابراین جداول مضامین به‌دست‌آمده از پژوهش ارائه شد و درنهایت چارچوب و الگوی نهایی پژوهش تعیین می‌شود.

جدول ۵. مضامین سازمان‌دهنده استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و اسناد

ردیف	مضامین پایه	استناد	مضامین سازمان‌دهنده
۱	انگیزه شهرنشینی، تأثیر گردشگران بر فرهنگ منطقه، تغییر فرهنگ بومی و محلی از جمله زبان و پوشش، بازی‌های محلی و تفریحات بومی، طلاق عاطفی، گرایش‌های مذهبی فرقه سلفی و وهابیت یا فرقه یمانی، تقویت روحیه وابستگی به ارگان‌های دولتی (گداپروزی)، اختلافات خانوادگی یا تفرقه قومیتی، نبود نشاط و شادابی در میان اهالی، بی‌اعتمادی به دستگاه‌های اجرایی و ادارات در بین اهالی روستا، تفرقه مذهبی	مصاحبه و اسناد	فرهنگ اجتماعی روابط
۲	گرایش برخی از معلمان به اعتیاد، نبود معلم مشاور و پرورشی در مدارس، افزایش میزان تمایل دانش‌آموزان و جوانان به سیگار و مواد مخدر، نامناسب‌بودن معلمان مدارس (سرباز معلم، کم‌تجربه، رشته نامرتبط)، بی‌سوادی، توقف تحصیل، افت تحصیلی، کم‌توجهی یا ناآگاهی والدین از تعلیم و تربیت و تحصیل فرزندان، وقت ناکافی معلمان برای امور تربیتی، تشکیل کلاس درس در نیمی از هفته، فصلی‌بودن مدارس، مختلط‌بودن مدارس، چندپایه‌بودن مدارس با وجود تعداد زیاد دانش‌آموزان	مصاحبه و اسناد	آموزش و تربیت کودکان

ردیف	مضامین پایه	استناد	مضامین سازمان دهنده
۳	پایین بودن آگاهی مردم از مسائل نظام خانواده و روابط زناشویی، شیوع انواع بیماری‌ها در روستا، سخت‌باروری در میان زنان، استفاده از سم و کودهای شیمیایی، قطع بی‌رویه درختان جنگل، عدم رعایت نظافت عمومی، مصرف بی‌رویه داروهای شیمیایی، فرسوده بودن مخازن یا لوله‌های انتقال آب شرب، عدم جمع‌آوری پسماندهای روستا و ایجاد آلودگی در محیط روستا، نبود سیستم بهداشتی دفع فاضلاب	مصاحبه و اسناد	سلامت
۴	بی‌علاقگی به کارهای سنتی (دامداری سبک، پرورش طیور، کشاورزی دیم) در نسل جوان و علاقه به اشتغال در دستگاه‌های دولتی، نبود روحیه مطالبه‌گری، ناامیدی از بهبود زندگی در روستا، وابستگی شدید روستا به روستاهای همجوار یا مرکز دهستان، اختلافات جدی با روستاهای همجوار، سابقه بی‌اعتمادی نهادهای مردمی در بین مردم روستا، ضعف یا نبود فرهنگ کار و تلاش و ریسک‌پذیری	مصاحبه و اسناد	نظام معیشتی
۵	انگیزه شهرنشینی، تأثیر گردشگران بر فرهنگ منطقه، تغییر فرهنگ بومی و محلی از جمله زبان و پوشش، بازی‌های محلی و تفریحات بومی، طلاق عاطفی، گرایش‌های مذهبی فرقه سلفی و وهابیت یا فرقه یمانی، تقویت روحیه وابستگی به ارگان‌های دولتی (گداپرووری)، اختلافات خانوادگی یا تفرقه قومیتی، نبود نشاط و شادابی در میان اهالی، بی‌اعتمادی به دستگاه‌های اجرایی و ادارات در بین اهالی روستا، تفرقه مذهبی	مصاحبه و اسناد	نظام اخلاقی و تمایلات
۶	ضعف اطلاعات دینی، ناآگاهی از حقوق اساسی، جایگاه پایین زنان در روستا (نگاه به‌عنوان نیروی کار و منحصر در زادولد)، ممانعت از فعالیت‌های اجتماعی بانوان، باورهای غلط در اذهان مردم و اعتقاد زیاد به خرافه‌ها، نبود یا ضعف سیگنال‌های آنالوگ و دیجیتال، عدم آشنایی مناسب موبایل یا نبود یا ضعف زیرساخت اینترنت، نامناسب بودن معلمان مدارس (سرباز معلم، کم‌تجربه، رشته نامرتبط)، بی‌سوادی	مصاحبه و اسناد	نظام پیشی و تفکرات
۷	ساکن نبودن شورابار یا دهیار، دهیار یا ناکارآمدی شورا، کم‌کیف فعالیت روحانی روستا، استفاده بیش‌ازحد از فضای مجازی و متأثر بودن از آن، اشاعه برخی خرده‌فرهنگ‌های شهری، سن زیاد ازدواج، ازدواج زودهنگام دختران، شیوع بی‌بندوباری‌های اخلاقی و روابط نامشروع، اعتیاد در بخش زنان، استفاده از مشروبات الکلی	مصاحبه و اسناد	نظام حکمرانی
۸	گرایش اهالی به ماهواره، انگیزه شهرنشینی، تأثیر گردشگران بر فرهنگ منطقه، تغییر فرهنگ بومی و محلی از جمله زبان و پوشش، بازی‌های محلی و تفریحات بومی، طلاق عاطفی، گرایش‌های مذهبی فرقه سلفی و وهابیت یا فرقه یمانی، توسعه روحیه وابستگی به ارگان‌های دولتی (گداپرووری)، اختلافات خانوادگی یا تفرقه قومیتی، نبود نشاط و شادابی در میان اهالی، بی‌اعتمادی به دستگاه‌های اجرایی و ادارات در بین اهالی روستا، تفرقه مذهبی، تجمع‌های مخرب	مصاحبه و اسناد	کثر رفتاری‌ها
۹	پیری روستا، نرخ پایین رشد جمعیت، شهرت نامناسب روستا، سنت‌های غلط برجامانده مانند سنت‌های فرهنگی و مالی غلط در عزا و عروسی، ضعف یا نبود روحیه اعتماد و صداقت (روابط اقتصادی و روابط اجتماعی)، ضعف یا نبود روحیه مشارکت و تعاون، مهمان‌نوازی نبودن روستاییان و عدم پذیرش غریبه در روستا، بی‌اهمیتی به مقوله ورزش	مصاحبه و اسناد	فرهنگ سازمانی
۱۰	راکد بودن مراکز فرهنگی مانند مسجد و پایگاه بسیج، نبود امکانات ورزشی و تفریحی، نبود امکانات و بناهای فرهنگی (کتابخانه)، نبود خانه علم، نبود یا ضعف سیگنال‌های آنالوگ و دیجیتال، عدم آشنایی مناسب موبایل یا نبود یا ضعف زیرساخت اینترنت، نبود مدرسه متوسطه اول یا دوم در روستا	مصاحبه و اسناد	نظام‌های پشتیبانی

بنابراین از تحلیل مضامین پایه، در مجموع ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده مطابق جدول ۶ استخراج شد.

جدول ۶. مضامین سازمان دهنده

ردیف	مضمون سازمان دهنده
۱	فرهنگ و روابط اجتماعی
۲	آموزش و تربیت کودکان
۳	سلامت
۴	نظام معیشتی
۵	نظام اخلاقی و تمایلات
۶	نظام بینشی و تفکرات
۷	نظام حکمرانی
۸	کزرفتاری
۹	فرهنگ سازمانی
۱۰	نظام‌های پشتیبانی

۲-۴. استخراج مضامین فراگیر

سرانجام مرحله آخر براساس گام‌بندی روش تحلیل مضمون، استخراج مضامین فراگیر به‌عنوان کلی‌ترین لایه مفهومی انجام گرفت. محقق براساس تحلیل مضامین سازمان دهنده، به سه مضمون فراگیر دست یافت (جدول ۷).

جدول ۷. مضامین فراگیر استخراج شده از مضامین سازمان دهنده

ردیف	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	فرهنگ و روابط اجتماعی	رویکرد اجتماعی
	آموزش و تربیت کودکان	
	سلامت	
	نظام معیشتی	
۲	نظام اخلاقی و تمایلات	رویکرد بینشی
	نظام بینشی و تفکرات	
	نظام حکمرانی	
۳	کزرفتاری	ساختار
	فرهنگ سازمانی	
	نظام‌های پشتیبانی	

درنهایت، ماتریس پیشنهادی محقق برای شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی در سطوح محلی به‌صورت شکل ۳ است.

فرهنگ و روابط اجتماعی			آموزش و تربیت کودکان			سلامت			نظام معیشتی		
کرفزاری	فرهنگ سازمانی	نظام‌های پشتیبانی	کرفزاری	فرهنگ سازمانی	نظام‌های پشتیبانی	کرفزاری	فرهنگ سازمانی	نظام‌های پشتیبانی	کرفزاری	فرهنگ سازمانی	نظام‌های پشتیبانی

شکل ۳. چارچوب نهایی پژوهش (ماتریس شناسایی و اولویت‌بندی)

۵. بحث و نتیجه‌گیری

سیاستمداران محلی در واقع خط‌مشی‌گذارانی هستند که اولویت‌های آنان، اولویت‌های جامعه محلی را می‌سازد. آن‌ها می‌توانند با اولویت‌بخشی به حوزه اقتصاد و معیشت، این دسته از مسائل را در صدر اولویت مسائل محلی قرار دهند یا با اولویت‌بخشی به آثار نظام انگیزشی و تمایلات جامعه روستایی، مسائلی را که بر این بعد از جامعه اثرگذارند در اولویت قرار دهند. این جهت‌گیری و اولویت‌بخشی به مؤلفه‌های اصلی ماهوی، ساختاری و آثاری مسائل سبب می‌شود تصمیم‌گیران در مدت کمتر، با سهولت بیشتر و به‌صورت جامع‌تر به تحلیل، هدایت و اولویت‌بندی مسائل منطقه خود بپردازند.

نتایج این پژوهش نشان داد تصمیم‌گیران محلی باید بتوانند با جامعیت بیشتری مسائل را شناسایی و به ماهیت مسائل فرهنگی-اجتماعی، تعلیم و تربیت، سلامت، اقتصاد و معیشت) نفوذ کنند. این شناخت ماهیت، تصمیم‌ساز را قادر خواهد ساخت تا به درک بهتری از مسائل مدنظر در ساختار اجتماعی روستا دست یابد و بتواند تغییرات لازم را با رویکرد توسعه‌ای اعمال کند (از بین افراد، نرم‌افزارها یا منابع جامعه) و در نهایت طرح‌ها و اقدامات آنان به‌منظور حل مسئله، در کدام بخش از نظام‌های جامعه محلی اثرگذار خواهد بود (اثرگذاری بر نظام اخلاقی یا نظام تفکرات یا نظام رفتاری جامعه).

الگوی پیشنهادی این پژوهش از دو جنبه می‌تواند به شناسایی مسائل عمومی در سطوح محلی کمک کند: در مرحله اول، قبل از ورود به عرصه اجرا و شناسایی مسائل عمومی و در مرحله دوم، پس از شناسایی مسائل عمومی. هریک از اجزا و مؤلفه‌های این الگو به‌مثابه نوعی عینک، زاویه دید خاصی به فرد متولی شناسایی مسائل عمومی در سطح محلی یا روستا می‌بخشد که با هریک از آن‌ها می‌تواند به جنبه‌ها و ابعاد مختلف جامعه محلی بپردازد؛ برای مثال وقتی به تصمیم‌ساز توصیه می‌شود که در شناسایی مسائل عمومی، باید به ابعاد مختلف ماهوی، ساختاری و آثاری توجه کرد و در هریک از آن‌ها نیز ابعاد دیگری از جمله فرهنگی اجتماعی، اقتصادی یا نظام اخلاقی و رفتاری و... نهفته است، فرد با نگاه جامع‌تری به جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی مسائل می‌پردازد.

بعد از شناسایی مسائل عمومی در سطوح محلی نیز این الگو و چارچوب می‌تواند مورد استفاده تصمیم‌سازان قرار گیرد. همان‌طور که در بخش‌های قبلی تشریح شد، هریک از درایه‌های این ماتریس یک تعریف و گزاره معنادار است و هریک از مسائل عمومی که شناسایی می‌شود، حداقل در یکی از درایه‌های این ماتریس جای می‌گیرد که این امر به فهم بهتر تصمیم‌ساز محلی از مسئله مدنظر کمک می‌کند؛ برای مثال وقتی «تضعیف فرهنگ کار» به‌عنوان یکی از مسائل شناسایی شده در نظر گرفته شود، تحلیل این مسئله بدین‌صورت است که این مسئله از نظر ماهوی در حوزه فرهنگی-اجتماعی و از نظر ساختاری مرتبط با افراد و نیروی انسانی جامعه روستایی است و در بعد آثاری نیز بر نظام رفتاری جامعه محلی اثر دارد. این نوع تحلیل دینامیک از مسئله، بسیار قوی‌تر از صرف تعریف مسئله است و می‌تواند در اولویت‌بندی و درنهایت حل مسئله بسیار راهگشا باشد. همچنین از آنجا که این الگو به‌صورت ماتریس سه‌بعدی است، سطر و ستون این ماتریس و به‌صورت کلی روابط بین مسائل نیز راهنمایی مفید برای تحلیل مسائل عمومی است. به معنای دیگر مشخص می‌شود که هر درایه و هر مسئله‌ای از این ماتریس با چه مسائل دیگری همگن است و با آن در درایه‌ای مشترک قرار می‌گیرد و همچنین از نظر ماهیت، ساختار و آثار با کدام دسته دیگر از مسائل اشتراک مفهومی دارد. در شکل ۴ دینامیک سه‌بعدی مسائل عمومی در سطوح محلی نمایش داده شده است.

	فرهنگی اجتماعی			تعلیم و تربیت			سلامت			اقتصاد و معیشت	
	افراد	گروه افراد	منبع	افراد	گروه افراد	منبع	افراد	گروه افراد	منبع	گروه افراد	منبع
نظام اخلاقی (تمایلات)	اولویت‌ترین اولویت										
نظام تفکرات (پیشنی)											
نظام رفتاری	تضعیف فرهنگ کار										پایین‌ترین اولویت

شکل ۴. دینامیک سه‌بعدی مسائل عمومی در سطوح محلی

قابلیت دیگر این الگو، آدرس‌دهی دقیق جایگاه مشکل در توسعه محلی است. این پژوهش یک ماتریس سه‌بعدی ارائه می‌کند که شامل ۳۶ درایه است. آدرس هر مسئله عمومی در این ماتریس نشان‌دهنده موقعیت آن مسئله در ماتریس است و موقعیت مسئله در ماتریس، درجه اولویت مسئله را نشان می‌دهد. طبق این تعریف، درایه [۱،۱،۱] شامل اولویت‌دارترین مسائل عمومی در سطوح محلی است و درایه [۴،۳،۳] پایین‌ترین اولویت را در بین مسائل عمومی دارد.

مدیران سطوح محلی علاوه بر تصمیماتی که باید در حوزه سازمانی اتخاذ کنند، نیازمند تصمیم‌گیری در حوزه‌هایی هستند که به‌طور مستقیم با زندگی مردم و حل مسائل آنان سروکار دارد؛ مسائلی که با حل شدن آن‌ها، نوعی پیشرفت و توسعه در یکی از ابعاد جامعه محلی ایجاد می‌شود. این تصمیمات در قالب تصمیمات توسعه‌ای مدیران محلی مطرح می‌شود؛ بنابراین بسیاری از مدیران و کنشگران در سطوح محلی به‌دنبال شناسایی مسائل عمومی، اولویت‌بندی آن‌ها و درنهایت ریشه‌یابی این مسائل هستند تا بتوانند منابع محدود خود را روی اصلی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مسائل به‌مثابه یک گلوگاه مصرف کنند تا بیشترین کارایی و اثربخشی برای تصمیمات آن‌ها حاصل شود.

الگوی پیشنهادی در این پژوهش در عین اینکه الگویی نظری و علمی است، می‌تواند بسیار کاربردی باشد و به‌عنوان یک ابزار مورد استفاده مدیران محلی قرار گیرد. مدیران محلی به کمک این الگو می‌توانند تحلیل بهتری روی مسائل عمومی حوزه تصمیم‌گیری داشته باشند؛ آن‌ها می‌توانند با جامعیت بیشتری مسائل را شناسایی کنند، ماهیت مسائل را بشناسند، بدانند که مسئله مدنظر در کدام بخش از ساختار جامعه وجود دارد، در کجا باید تغییرات لازم را اعمال کنند و درنهایت طرح‌ها و اقدامات ایشان برای حل مسئله، در کدام بخش از نظام‌های جامعه محلی اثرگذار خواهد بود.

بر کسی پوشیده نیست که دانش تجربی با خطا همراه است، اما در این پژوهش سعی شد تا حد امکان و توان خود مسائل عمومی کشور در سطوح محلی جمع‌آوری شود تا تجزیه و تحلیل اطلاعات با جامعیت و اعتبار بیشتری انجام گیرد. از این‌رو مصاحبه‌ها و مطالعه تعداد زیادی از اسناد توسعه محلی کمک شایانی به این امر کرد. از همین رو می‌توان ادعا کرد ماتریس پیشنهادی این پژوهش ضمن تأیید یافته‌های مرزبان و حیاتی (۱۴۰۰) و حیدری و شکیبیا (۱۴۰۰) در مقایسه با ماتریس‌ها و مدل‌های مشابه از جزئی‌نگری بیشتری برخوردار است؛ به‌نحوی که ۱۸۰ مسئله عمومی در سطوح محلی که حاصل این پژوهش است، تا حد زیادی بسیاری از مسائل فعلی در مناطق محلی کشور را پوشش می‌دهد. به همین دلیل نوعی پیش‌بینی نسبت به مسائل عمومی در سطوح محلی کشور نیز حاصل شده است که مدیران یا محققان پیش از ورود به عرصه میدانی می‌توانند از آن استفاده کنند.

درنهایت پیشنهادهای سیاستی این پژوهش در پنج محور بدین شرح زیر است: ۱) سطوح حکمرانی محلی (بخش، دهستان، روستا)، باید با محوریت مدیران، نخبگان و کنشگران محلی به‌صورت جمعی و با هماهنگی کامل و با فرماندهی واحد تعریف شود تا بتوان به کمک الگوی پیشنهادی، فهرست مسائل حوزه تصمیم‌گیری را استخراج و تحلیل کرد؛ ۲) ریشه‌یابی مسائل اصلی به‌منظور رسیدن به گلوگاه‌ها کمک شایانی به حل مسائل عمومی در سطوح محلی می‌کند. بدیهی است اقدامات بعدی توسط این مدیران و کنشگران به انگیزه‌ها، به کارآمدی و کنش‌های سیاسی اجتماعی آنان وابسته خواهد بود؛ ۳) به‌نظر می‌رسد طرح‌ها و اقدامات در حوزه نظام‌های جامعه محلی برای اثرگذاری بیشتر باید ناظر به نظام اخلاقی یا نظام تفکرات یا نظام رفتاری جامعه روستایی مورد بررسی باشد؛ ۴) کارگروه‌های توسعه محلی مردم‌نهاد می‌توانند از طریق همکاری با سازمان‌های دولتی و عمومی غیردولتی، نقش مهمی در طراحی، مشاوره و اجرای طرح‌های پیشرفت منطقه‌ای و محرومیت‌زدایی ایفا کنند؛ ۵) نظر به اینکه به‌طور معمول اغلب تصمیمات کلان‌کشوری به‌صورت بالا به پایین اخذ و این تصمیمات و خط‌مشی‌ها تا سطح روستاها اجرا می‌شود، مدیریت‌های محلی باید بتوانند ضرورت و خواست خود را برای تصمیم‌گیری غیرمتمرکز در بعضی از حوزه‌ها به‌عنوان مطالبه اجتماعی از حاکمیت درخواست کنند.

ماتریس پیشنهادی می‌تواند در این خصوص، اولویت‌ها را مشخص کند. شناخت و تجزیه و تحلیل وضع مناطق در زمینه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نخستین گام در این زمینه است.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «شناسایی و انتخاب مسائل عمومی به منظور بهبود تصمیمات توسعه‌ای مدیران محلی؛ مطالعه موردی: مناطق محروم استان اصفهان»، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- الوانی، سید مهدی (۱۳۹۵). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*. تهران: سمت.
- پورعزت، علی‌اصغر و هاشمی کاسوایی، میناسادات (۱۳۹۶). *مسئله عمومی چالش آغازین خط‌مشی‌گذاری دولتی*. تهران: دانشگاه تهران.
- پورعزت، علی‌اصغر، سوداگر، هاشم، سعدآبادی، علی‌اصغر و هاشمی کاسوایی، میناسادات (۱۳۹۸). *شاخص‌های اولویت‌بندی عادلانه مسائل عمومی*. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۱۳(۲)، ۱۳۹-۱۶۹. <https://doi.org/10.30497/smt.2019.2737>
- توکلی‌نیا، جمیله، گودرزی، وحید و صمدی، رقیه (۱۳۹۶). *تحلیل توسعه منطقه‌ای استان مرکزی با استفاده از تکنیک‌های چندمعیاره به منظور دستیابی به توسعه متوازن*. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)*، ۱۲(۲)، ۲۸۵-۲۹۹. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.69285.1467>
- حمیدی‌زاده، علی، اخوان علوی، سید حسین، خسروپناه، عبدالحسین، رحمتی، محمدحسین و میری، سید مهدی (۱۳۹۸). *آیا خط‌مشی‌گذاری عمومی نیازمند یافتن محور مشترکی بین ابعاد مختلف دانشی مسائل و خط‌مشی‌ها است؟*. *راهبرد اجتماعی-فرهنگی*، ۱(۳۰)، ۲۳-۵۵.
- حیدری، حسین و شکیبا، احمد (۱۴۰۰). *ارزیابی مسائل روستایی، ریشه‌ها و پیامدهای آن با روش ارزیابی مشارکتی روستایی (مورد مطالعه: دهستان گچی شهرستان ملکشاهی ایلام)*. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۳(۲)، ۶۳۹-۶۶۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2022.341053.668713>
- دقتی، عادل، یعقوبی، نورمحمد، کمالیان، امین‌رضا و دهقانی، مسعود (۱۳۹۸). *ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب*. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۲)، ۲۰۳-۲۳۰. <https://doi.org/10.22059/jjpa.2019.277187.2501>
- زنگی‌آبادی، علی، احمدیان، مهدی، شاهسونی، محمد جاسم و علی‌زاده، جابر (۱۳۹۲). *تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای در استان بوشهر با بهره‌گیری تلفیقی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره*. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۳(۱۲)، ۱-۱۰.
- سلیمانی خوئینی، مهدی، دانش‌فرد، کرم‌اله و نجف‌بیگی، رضا (۱۳۹۸). *الگوی اقتضایی شناسایی مسائل عمومی در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایران با تأکید بر عوامل پیش‌ران*. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۴)، ۵۳۰-۵۵۶. <https://doi.org/10.22059/jjpa.2019.287617.2613>
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۸). *درآمدی نظری بر مفهوم، ماهیت و عملکرد پوپولیسیم*. *مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱(۲)، ۶۲-۸۵.
- صفرپور، علیرضا اصلی‌پور، حسین و شریف‌زاده، فتاح (۱۴۰۱). *شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر اثربخشی کانون‌های تفکر غیردولتی در ایران*. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱(۴۱)، ۱۳۶-۱۵۹.
- قادری، صلاح‌الدین و شرف‌خانی، جعفر (۱۳۹۹). *توسعه مبتنی بر اجتماع محلی (محل‌محور) از ایده تا عمل مورد مطالعه: توسعه مبتنی بر اجتماع محلی در شهر تهران*. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۲(۱)، ۱۰۳-۱۲۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2021.301759.668540>
- کایدنژاد، رضا پیشگاه هادیان، حمید، بلندیان، غلامحسین و درویش‌پور، حجت‌الله (۱۳۹۰). *تحلیلی بر جایگاه توسعه منطقه‌ای در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران*. *مجله مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۳(۸۸)، ۵-۴۲.
- مرزبان، سروش و حیاتی، داریوش (۱۴۰۰). *مروری بر رهیافت توسعه روستایی نودرون‌زا و بهره‌گیری از آن در برنامه‌های توسعه روستایی ایران*. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۳(۲)، ۵۳۳-۵۵۹.

- معدنی، جواد و قربانی‌زاده، وجه‌الله (۱۴۰۲). شناسایی و اولویت‌بندی مسائل مدیریت دولتی در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۶۰(۱)، ۶۷-۹۶.
- هاشمی کاسوایی، مینا سادات (۱۳۹۳). *ارائه طرحی برای اولویت‌بندی مسائل عمومی در دستورگذاری خطمشی عمومی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- یزدان‌فام، محمود و صدرانیا، حسن (۱۴۰۰). شبکه مسائل راهبردی ایران و نقش عوامل ساختاری در شکل‌گیری آن‌ها. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۴(۹۴)، ۷۱-۱۲۰.
- Zangiabadi, A., Ahmadian, M., Shahsevani, M. J., & Alizadeh, J. (2014). Spatial analysis of the regional development in province of Bushehr using by MCDM methods. *Journal of Regional Planning*, 3(12), 1-10. (In Persian)
- Safarpour, A. R., Aslipour, H., & Sharifzadeh, F. (2022). Identifying and prioritizing the factors affecting the effectiveness of non-governmental think tanks in Iran. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(41), 136-159. (In Persian)
- Samiee Isfahani, A. R. (2020). Theoretical Introduction on the Concept, Nature and Function of Populism. *Journal of Political and International Approaches*, 11(2), 62-85. (In Persian)
- Alwani, S. M. (2015). Decision making and government policy determination. Tehran: Samt. (In Persian)
- Beunen, R., & Van Assche, K. (2021). Steering in Governance: Evolutionary Perspectives. *Politics and Governance*, 9(2), 365-368. <https://doi.org/10.17645/pag.v9i2.4489>
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Sage.
- Chigbu, U. (2012). Village Renewal as an Instrument of Rural Development: Evidence from Weyarn, Germany. *Community Development*, 43(2), 209-224. <https://doi.org/10.1080/15575330.2011.575231>
- Deghati, A., Yaqubi, N., Kamalian, A. R., & Dehghani, M. (2018). Presenting a stepwise development model of network governance using a hybrid approach. *Public Administration*, 11(2), 203-230. (In Persian)
- Dye, T. (2005). *Understanding Public Policy*. Pearson Prentice Hall.
- Goyal, N., & Saguin, K. (2019). Capacity, control, and content: The supply of think tank policy advice in India. *Policy Studies*, 40(3-4), 337-352. <https://doi.org/10.1080/01442872.2018.1557624>
- Hamidzadeh, A., Akhavan Alavi, S. H., Khosropanah, A., Rahmati, M. H., & Miri, S. M. (2018). Does public policymaking need to find a common axis between different scientific aspects of issues and policies? *Social and Cultural Strategy*, 8(30), 23-55. (In Persian)
- Hashemi Kaswai, M. (2013). Presenting a plan for prioritizing public issues in ordering public policy. *Master's Thesis*. Tehran University of Management. (In Persian)
- Heydari, H., & Shakiba, A. (1400). Evaluation of rural issues, their roots and consequences with the rural participatory evaluation method (case study: Gechi village, Malekshahi, Ilam). *Local Development (Rural-Urban)*, 13(2), 639-666. <https://doi.org/10.22059/jrd.2022.341053.668713> (In Persian)
- Xu, H., Xu, X., & Pittock, J. (2023). Understanding social issues in a new approach: The role of social media in displacement and resettlement. *Social Sciences & Humanities Open*, 7(1), 100463. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2023.100463>
- Hoppe, R. (2002). Cultures of public policy problems. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 305-326. <https://doi.org/10.1023/A:1020306602507>
- Kraft, M. E., & Furlong, S. R. (2019). *Public policy: Politics, analysis, and alternatives*. Cq Press.
- Llorens, J. L., Alburquerque, F., & Del Castillo, J. (2002). Estudio de casos de desarrollo económico local en América Latina. *Serie de informes de buenas prácticas del Departamento de Desarrollo Sostenible, Banco Interamericano de Desarrollo*.
- Lourenco, R., & Costa, J. (2007). Incorporating citizens views in local policy decision making processes. *Decision Support System*, 1499-1511. <https://doi.org/10.1016/j.dss.2006.06.004>
- Yazdanfarn, M., & Sadrania, H. (2022). Iran Strategic Issues Network and the role of structural factors in their formation, *Journal of Strategic Studies*, 24(4), 64-113. <https://magiran.com/p2383328> (In Persian)

- Mandari, J., & Ghorbanzadeh, V. (1402). Identification and prioritization of public administration issues in the Islamic Republic of Iran. *Public Management Research*, 16(60), 67-96.
<https://doi.org/10.22111/jmr.2022.41044.5691> (In Persian)
- Marzban, S., & Hayati, D. (1400). An overview of the endogenous rural development approach and its use in Iran's rural development programs. *Local Development (Rural-Urban)*, 13(2), 533-559.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2022.332136.668683> (In Persian)
- Midgley, J. O. (1995). Social development: The developmental perspective in social welfare. *Social Development*, 1-208.
- Montoya, A. (1998). ¿ Desarrollo local o desarrollo comunitario?. *Realidad: Revista de Ciencias Sociales y Humanidades*, 61, 45-55. <https://doi.org/10.5377/realidad.v0i61.4932>
- Moseley, M. (2003). Rural development: principles and practice. *Rural Development*, 1-240.
<http://digital.casalini.it/9781446264256>
- Diamond, P. (2020). Externalization and politicization in policy advisory systems: a case study of contestable policy-making 2010–2015. *Public Money & Management*, 40(1), 42-51.
<https://doi.org/10.1080/09540962.2019.1583890>
- Pautz, H. (2020). Think tanks and policymaking. In *Oxford Research Encyclopedia of Politics*.
<https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228637.013.1420>
- Pellissery, S. (2012). Rural Development. *Encyclopedia of Sustainability*, 7, 222–225.
- Pourezat, A. A., & Hashemi Kasvay, M. S. (2016). *The general issue of the initial challenge of government policy*. Tehran: University of Tehran Publishing Institute. (In Persian)
- Pourezat, A. A., Sodagar, H., Saadabadi, A. A., & Hashemi Kasvay, M. (2018). Indicators of fair prioritization of public issues. *Strategic Management Thought (Management Thought)*, 13(2), 139-169. (In Persian)
- Pourezat, A., & Shirmohammadi, M. (2007). A Survey of the influence of Intergovernmental Relations on the Pace and Quality of Public Services. 21th EROPA General Assembly and Conferences. (pp. 19-21). *Eastern Regional Organization for Public Administration (EROPA) & Institution of Research and Planning in Higher Education (IRPHE)*.
- Qadri, S., & Sharafkhani, J. (2019). Development based on the local community (neighborhood-oriented) from idea to practice studied: Development based on the local community in the city of Tehran. *Local Development (Rural-Urban)*, 12(1), 103-126. <https://doi.org/10.22059/jrd.2021.301759.668540> (In Persian)
- Kayednejad, R., Pishgah Hadian, H., Bolandian, Gh. H., Dravishpour, H. (2021). An analysis of the place of regional development in the macro policies of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Basij Strategic Studies*, 23(88), 5-42. (In Persian)
- Soleimani Khoyini, M., Daneshfard, K., & Najaf Beigi, R. (2018). Contingency model for identifying general issues in Iran's policy making process with emphasis on driving factors. *Public Administration*, 11(4), 530-556. (In Persian)
- Tavakolinia, J., Gudarzi, V., & Samadi, R. (2016). Analysis of the regional development of Central Province using multi-criteria techniques in order to achieve balanced development. *Human Settlements Planning Studies (Geographical Perspective)*, 12(2), 285-299. (In Persian)
- Taylor, N. (1998). Urban planning theory since 1945. *Urban Planning Theory since 1945*, 1-192.
- United Nations (2023). Independent Group of Scientists appointed by the Secretary-General, *Global Sustainable Development Report 2023: Times of crisis, times of change: Science for accelerating transformations to sustainable development*, (United Nations, New York, 2023).
- Van Assche, K., & Hornidge, A.-K. (2015). Rural development. Knowledge & expertise in governance. *Wageningen Academic Publishers*.
- Van Assche, K., Beunen, R., Duineveld, M., & de Jong, H. (2013). Co-evolutions of planning and design: Risks and benefits of design perspectives in planning systems. *Planning Theory*, 12(2), 177-198.
<https://doi.org/10.1177/1473095212456771>

White, L., & Bourne, H. (2007). Voices and values: Linking values with participation in OR/MS in public policy making. *The International Journal of Management Science*, 588-603.

<http://doi.org/10.1016/j.omega.2005.11.002>

Williams, K. (2021). Credibility in policy expertise: The function of boundaries between research and policy. *Policy Studies Journal* 49(1), 37-66. <https://doi.org/10.1111/psj.12342>